



بررسی پوشش چهره، وعدم آن در روشنایی سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

پوهندوی دکتر نصرت الله ایوبی

دیپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل

Nasrat2014@gmail.com

2865-4703-0001-0009

نویسنده

نشان برقی

نشانه ارکاید

چکیده

مسأله پوشش چهره از ساخت هیچ سازمان جهانی و یا فرد نیست؛ بلکه یک امر شرعی و اخلاقی است. بناء تلاش صورت گرفته؛ تا دلائل پوشاندن چهره و عدم آن در لابلای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم توضیح شود. و از مهم ترین اهداف این تحقیق ابراز موقف شرعی همرا با پاسخ های قناعت بخش به یک سلسله افراد یکه میگویند: حجاب شرعی با عصر مدرن سازگار نیست. و روشیکه از آن درین تحقیق استفاده شده است روش تحلیلی و توصیفی است. و یافته های تحقیق نشان داده که دلائل که تأکید برحجاب دارد صحیح و صریح است، ولی دلائل عدم پوشش چهره و یا حجاب از دو حالت خالی نیست: یا صریح است ولی غیر صحیح، و یا هم صحیح است ولی غیر صریح. و از دیگر یافته های تحقیق: پوشش چهره همانند بقیه احکام شرعی به چندین مراحل عبور کرده است.

کلید واژه: حجاب، پوشش، پرتو روایات، الزامی بودن روپوش.

An Examination of Face Covering According to the Traditions of the Prophet Muhammad (Peace Be Upon Him)

Author
E-Mail
Orcid

Dr. Nasaratullah Ayubi
Department of Islamic Culture, Faculty of Sharia, Kabul University,
Afghanistan
nsrat2014@gmail.com
0009-0001-4703-2865

Abstract

The issue of face covering is not the creation of any global organization or individual; rather, it is a religious and ethical matter. Therefore, efforts have been made to elucidate the reasons for covering the face and the arguments against it as found within the traditions of the Prophet Muhammad (Peace Be Upon Him). One of the primary objectives of this research is to express the religious stance alongside providing satisfactory responses to a series of individuals who claim that religious veiling is incompatible with the modern era. The methodology employed in this research is analytical and descriptive. The findings indicate that the reasons supporting veiling are both valid and explicit, whereas the arguments against face covering or veiling fall into two categories: either they are explicit but incorrect, or they are correct but not explicit. Furthermore, the research reveals that the practice of face covering, like other religious rulings, has undergone several stages of evolution.

Keywords: Veiling, covering, illumination of traditions, obligation of covering.

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی المبعوث رحمة للعالمین، وعلی آله وصحبه أجمعین، وبعد: بیان مسئله و ماهیت موضوع را باید از این نقطه آغاز نمود که از میان ده ها عناوین راجع به حجاب شرعی بررسی پوشش چهره را انتخاب کردم، تا در موردش بحث حدیثی مفصل داشته باشم، بنا بر دلائل ذیل:

أ. سرمایه گذاری بیست ساله غرب در افغانستان یک امر طبیعی نبوده، بلکه یک تلاش سیستماتیک برای تضعیف و انحلال اخلاقی به شمار می رود، نباید آن را نادیده گرفت، و آنچه امروز گفته میشود که حجاب میراث فرهنگی قشر خاصی است؛ نتیجه همان تلاش ها است؛ درحالیکه حجاب همانند بقیه احکام شرعی عمر هزار و چهارصد ساله دارد.

ب. پوشش چهره در لابلای سنت پیامبر علیه السلام را بخاطر انتخاب کردم که؛ مشروعیت حجاب همانند بقیه احکام شرعی - حرمت شراب بطور نمونه - چندین مراحل را پیموده است، و در برخی از آیات قرآنی احتمالات زیاد وجود دارد؛ زمانی که بررسی این شعیره الهی را از منظور روایات به بحث میگیرم به منظور این است که روایات بیانگر مجمل و یا عمومات قرآنی است، و آنچه در روایات صراحت میداشته باشد، در آیات نمیداشته باشد، مانند: تعداد رکعات نمازها، نصاب زکات و غیره. و همچنان تطبیق عملی آیات قرآنی از روزنه سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم، و صحابه کرام بحیث اولین کسانی که مورد خطاب قرار گرفتند چگونه بود؟ این جاست که فهم آیات به دور از فهم سلف یعنی پیامبر صلی الله علیه وسلم، صحابه رضی الله عنهم و پیشوایان دین رحمهم الله مدار اعتبار نیست. روی همین علل و انگیزه ها عنوان فوق را انتخاب نموده به امید این که به دور از احساسات مورد پسند خوانندگان گرامی قرار گیرد.

تبیین مسأله

مسئله حجاب بانوان یکی از مسائل داغ معاصر است و عده از غرب گرایان باورمند برین هستند که گویا حجاب اسلامی خلاف آزادی های انسانی و در تضاد به حقوق بشر قرار دارد، درین بحث متواضع تأکید برین شده است که حجاب بر علاوه ازین که یک فضیلت است، در عین وقت حکم شرعی است، بناء زمانیکه حکم الهی بیاید برای مرد و زن مومن چاره نیست جز سر تسلیم خم کردن، و آنچه به اهمیت عنوان می افزاید موارد ذیل است:

- سنت دومین منبع تشریعی است که بدون آن فهم آیات قرآنی دشوار است.
- پاسخ های قناعت بخش به افرادی که میگویند: حجاب نشانه تخلف و عقب گرایی است.
- ازاله شبهه که میگوید: حجاب از بدعات گروه های تند رو اسلامی است، نه شریعت الهی.

پرسش های تحقیق

پرسش اصلی تحقیق

بررسی پوشش چهره و عدم آن در لابلای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم چگونه است؟

پرسش های فرعی

س 1: دلایل مشروعیت پوشاندن چهره در لابلای سنت چه حیثیتی دارد؟

س 2: دلایل عدم مشروعیت پوشاندن چهره در لابلای سنت از چه جایگاهی بر خوردار است؟

س 3: کدام یک از دو موقف سازگاری با روح شریعت اسلامی دارد؟

اهداف تحقیق

- ارایه دلایل مشروعیت پوشاندن چهره از لابلای سنت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم.
- ابراز موقف شرعی درستیکه با روح شریعت اسلامی راجع به پوشاندن چهره سازگاری دارد.
- بیان ضعف روایات مبنی بر عدم پوشاندن چهره.

پیشینه تحقیق

مسئله حجاب در آیات متعددی قرآنی و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم، حتی به دیگر زبانها مثلاً: زبانی عربی بحث و تبادل نظر شده است و تحقیقات فراوانی راجع به پوشش چهره وعدم آن به رشته تحریر در آمده و هر کس تلاش کرده تا نصوص را به ذوق خود تعبیر کند. ولی پوشش چهره و عدم آن فقط در پرتوی روایات قسمیکه عنوان را اختیار کردم، در حد علم بنده تحقیقی درین خصوص پیدا نکردم؛ بناء لازم دیدم تا در مورد مقاله آماده کنم.

از جمله تحقیقاتیکه درین راستا به زبان عربی نوشته شده مشتمل و نمونه خروار آن را خدمت تان تقدیم میکنم:

1- ظهار الحق والصواب في حكم الحجاب والتبرج، والسفور، والخلوة بالمرأة الأجنبية، وسفرها بدون محرم، والاختلاط، في ضوء الكتاب والسنة وآثار السلف الصالح، سعيد بن علی بن وهف القحطاني، مطبعة سفیر، الرياض.

2- إتحاف الأجباب بما ثبت في مسألة الحجاب، عبد القادر بن حبيب الله السندي، الجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، السنة التاسعة - العدد الأول - جمادى الثانية 1396هـ / يونيو 1976م.

3- عوده الحجاب، محمد أحمد إسماعیل المقدم، دار طيبة (توزيع دار الصفوة) - الطبعة العاشرة، 1428 هـ - 2007 م.

4- الحجاب شریعة الله في الإسلام واليهودية والنصرانية، سامی عامری، المؤسسة العلمية العالمية الدعوية.

5- الحجاب في الشرع والفطرة، عبد العزيز بن مرزوق الطّريفي، دار المنهاج، الطبعة: الأولى، 1436 هـ - 2015 م.

6- الحجاب أدلة الموجبين وشبه المخالفين، أبو عبد الله مصطفى بن العدوی، مصر - الدقهلية - منية سموند، 1408 هـ.

7- كشف الأسرار عن القول التلید فيما لحق مسألة الحجاب من تحریف وتبديل وتصحيف، ترکی بن عمر بن محمد بلحمر، عام النشر: 1430 هـ .

تفاوت میان این تحقیق و تحقیقات فوق

- تمامی تحقیقات هفت گانه که در فوق از آن تذکر داده شد به زبان عربی اند، همچو تحقیقات در زبان فارسی و پشتو تا هنوز به رشته تحریر در نیامده است.

- تحقیقات که قبلاً از آن تذکر داده شد حجاب را به شکل کلی به بحث گرفتند ولی تحقیق هذا فقط پوشش چهره را از دید حدیثی به بحث میگیرد.

روش تحقیق

در راستای تدوین و جمع آوری مقاله هذا از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است، روش تحلیلی به آن روش گفته میشود که محقق تلاش خستگی ناپزیر را در راستای جمع آوری اطلاعات نصوص دینی، ادبی، ابراز علل و انگیزه ها به خرج میدهد تا بتواند نتایج مطلوب را بدست بیاورد.

اهمیت تحقیق

آنچه باعث رونق تحقیق هذا گردیده و از اهمیت می افزاید موارد ذیل است:

- سنت دومین منبع تشریعی در تمام موارد دینی به شمار می رود، چون احکام شرعی به شرح وتفصیل بیشتر در سنت مطهره آمده است، از جمله موضوع که آن را به بررسی گرفتیم.

- آیات قرآن را نباید به دور از سنت توضیح داد؛ زیرا سنت بحیث تفسیر کننده آیات عام، مجمل است، خوشبختانه آیات حجاب در برخی موارد عام است، روایاتی که در این مقاله گنجانیده شده است میتوان توسط آن از آیات مفهوم درست گرفت.

- بدون تردید یک سلسله شکوک و شبهات راجع به حجاب وجود دارد، در این مقاله کوشش شده تا پاسخ های قناعت بخش به آن عده افراد یکه میگویند حجاب شرعی با عصر مدرن سازگاری ندارد ارائه گردد.

نتایج ویافته ها

دلائل پوشاندن چهره از لابلاى سنت پیامبر علیه السلام

راجع به پوشاندن چهره زن دلائل متعددی از قرآن، سنت و اقوال معتبر اهل علم وجود دارد، ذیلا به برخی دلائل آن فقط از نقطه نظر روایات اشاره میگردد:

دلیل اول: حادثه افک یک حادثه المناک تاریخی است، من به تفصیل آن نمی پردازم، فقط به محل شاهد اشاره میکنم، عائشه رضی الله عنها میفرماید: « وَقَدْ كَانَ يَرَانِي قَبْلَ أَنْ يُصْرَبَ الْحِجَابُ عَلَيَّ، فَاسْتَيْقَظْتُ بِاسْتِرْجَاعِهِ حِينَ عَرَفَنِي، فَخَمَرْتُ وَجْهِي بِجِلْبَابِي » (بخاری، 1422: حدیث، 2661 و مسلم، 1334: حدیث، 277).

زمانیکه نگاه صفوان به من خورد و من را شناخت؛ چون من را قبل از فرضیت حجاب دیده بود می شناخت، انا لله گفت، در صدایش بیدار شدم، چهره خود را پوشانده حجابم را به تن کردم.

سوال این جاست: اگر حجاب چهره فرض نمی بود عائشه چرا این کار را کرد، درحالیکه زمان نزول وحی بود و عائشه رضی الله عنها از اولین گروه تطبیق کننده آیات حجاب بودند؟

دلیل دوم: صفیه رضی الله عنها از جمله کنیزک های خیر بود، زمانیکه در اختیار پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گرفت، صحابه گفتند: « إِنَّ حَبِيبَهَا فَهِيَ امْرَأَتُهُ، وَإِنْ لَمْ يَحْبِبْهَا فَهِيَ أُمُّ وَلَدٍ، فَلَمَّا أَرَادَ أَنْ يَرْكَبَ حَبِيبَهَا » (بخاری، 1422: حدیث، 5085 و مسلم، 1334: حدیث، 1365).

دیده شود اگر حجاب کرد به معنای این است که زن پیامبر است، اگر حجاب نکرد کنیز؟ ولی زمانیکه حرکت کردند، حجاب کرد، دانستند که این زن پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است.

ابن قدامه رحمه الله میگوید: " وَالْأَمَةُ يُبَاحُ النَّظَرُ مِنْهَا إِلَى مَا يَظْهَرُ غَالِبًا، كَالْوَجْهِ، وَالرَّأْسِ، وَالْيَدَيْنِ، وَالسَّاقَيْنِ.... وَهَذَا دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ عَدَمَ حَجَبِ الْإِمَاءِ كَانَ مُسْتَفِيدًا بَيْنَهُمْ مَشْهُورًا، وَأَنَّ الْحَجَبَ لِعَبْدِهِنَّ كَانَ مَعْلُومًا) (ابن قدامه، 1405: 7 / 103).

نگاه کردن به چهره، دستان، پاهای کنیز مشکلی ندارد، این خود دلیل آشکار برین است که بر کنیزان حجاب حتمی نیست، ایجاب میکند که به غیر کنیزان حجاب یک امر تعیین شده بوده.

دلیل سوم: در یکی از سفرها در واپسی به مدینه پای شتر لغزید، پیامبر علیه السلام صفیه از پشت سواری به زمین افتادند، همسفر پیامبر صلی الله علیه وسلم بنام طلحه گفت: ای پیامبر چیزی زیان دیدید؟ گفت:

نخیر! متوجه صفیه باش،" فآلفی أبو طلحة ثوبه علی وجهه، ثم قصد المرأة، فسدل الثوب علیها» (بخاری، 1422: حدیث، 3085 و مسلم، 1334: حدیث، 1345).

ابو طلحه چادرش را به چشمان خود گرفته رفت تا نگاهش به زن نام محرم نخورد، سپس چادرش را به روی صفیه انداخت.

دلیل چهارم: روایات متعددی از صحابه پیامبر در کتب روایات حدیثی آمده؛ زمانی که ایشان ازدواج کردند پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید آیا نامزدتان را قبلاً دیده بودید، گفتند: نخیر! گفت: برو بین، زیر در چشمان قبیله انصار چیزی است که قابل ملاحظه است «فَاذْهَبْ فَانْظُرْ إِلَيْهَا، فَإِنَّ فِي الْأَنْصَارِ شَيْئًا» (مسلم، 1334: حدیث، 1424).

جابر رضی الله عنه میگوید: من خود را در زیر درختان خرما گرفته نامزادم متوجه من نمیشد و من آن را میدیدم؛ تا این که او را پسند کردم (ابو داود، 2009: حدیث، 2082) (1).

سوال عمده که خود را مطرح میکند: اگر بانوان بدون پرده در کوچه و بازار می بودند چه حاجتی بود تا این قدر مشقت را متحمل شده در گرمی روز از زیر درختان نامزدش را نظاره کنند؟

دلیل پنجم: عائشه رضی الله عنها میگوید: حبشیان در مسجد تمرین و نیزه بازی میکردند، من هم علاقمند شدم؛ تا تماشا کنم، سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم چادر خود را برایم پرده ساخت و من تماشا میکردم، «يَسْتُرْنِي بِرِدَائِهِ، وَأَنَا أَنْظُرُ إِلَى الْحَبَشَةِ يَلْعَبُونَ فِي الْمَسْجِدِ» (بخاری، 1422: حدیث، 87 و مسلم، 1334: حدیث، 892).

سوال: اگر چهره مشکلی نداشت؛ پس چرا پیامبر توسط چادر عائشه را پنهان کرد؟

دلیل ششم: عائشه رضی الله عنها، از کاکای رضاعی اش پرده کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش گفت: «إِنَّهُ عَمَلٌ، فَأَذْنِي لَهُ» (بخاری، 1422: حدیث، 2644 و مسلم، 1334: حدیث، 1445).

کاکای رضاعی ات میشود، اجازه ورود به خانه بدهی - از او پرده نکن - .

دلیل هفتم: از مجموع روایات حدیثی که در مورد بانوان که به سفر حج و عمره میروند این معلوم میشود که: زن در حالت احرام، نه دستکش پوشیده میتواند، و نه چهره خود را پوشانده میتواند «وَلَا تَتَّقِبُ الْمَرْأَةُ الْحَرَامَ، وَلَا تَلْبَسُ الْقَفَّازِينَ» (بخاری، 1422: حدیث، 1838).

در حدیث عائشه رضی الله عنها آمده است: « فَإِذَا حَادَوْنَا، سَدَلْتُ إِحْدَانَا جِلْبَابَهَا مِنْ رَأْسِهَا عَلَى وَجْهِهَا، فَإِذَا جَاوَزُونَا كَشَفْنَا » (ابو داود، 2009: حدیث، 1833) (2).

زمانیکه قافله از پیش روی میامد روی بند را به روی خود ایوان میکردیم، زمانیکه میگذشت چهره خود را باز میکردیم.

سوال این جاست: زمانیکه از زن در حالت احرام مطالبه به عدم پوشش چهره میشود و از قافله حجاب میکند به این معنی است که قبلاً چهره پوشیده بوده تا این که دستور به عدم پوشش میشود.

دلیل هشتم: عائشه رضی الله عنها میفرماید: زمانیکه آیت حجاب (وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ) (النور: 31).

« و باید (اطراف) مقنعه‌های خود را بر گریبان‌هایشان بیفکنند (تا چهره و گردن و سینه با آن پوشیده گردد) « فرود آمد، بانوان صحابه چادران خود را تکه کرده به شکل حجاب به سر و صورت خود انداختند « فَاخْتَمَرْنَ بِهَا ».

در روایت دیگر نیز آمده است: زمانیکه آیات حجاب فرود آمد، بانوان انصار در تطبیق آیت قرآن شتاب ورزیده « كَأَنَّ عَلَىٰ رُءُوسِهِنَّ الْغُرَبَانَ مِنَ الْأَكْسِيَّةِ » (ابو داود، 2009: حدیث، 4101) (3).

گویا زاغها بر سرشان نشسته است، یعنی همه سیاه پوش به جاده ها ریختند.

حافظ ابن حجر، در شرح حدیث فوق میگوید: (فَاخْتَمَرْنَ بِهَا : أَيَّ عَظْمَيْنِ وَجُوهَهُنَّ) (ابن حجر، 1379: 940 / 8).

چهره های خود را پوشانیدند.

دلیل نهم: سوده رضی الله عنها زن چاق و قامت بلند بود، بعد از نزول آیات حجاب زیر پرده هم شناخته میشد، چون به اندازه او کسی دیگر نبود، زمانیکه از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسان میکند که من زیر پرده هم شناسانی میشوم؟ پیامبر برایش میگوید: «إِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَكِنَّ أَنْ تَخْرُجَنَّ لِحَاجَتِكِنَّ» (بخاری، 1422: حدیث، 146 و مسلم، 1334: حدیث، 217).

زمانیکه برای رفع حاجت بیرون میشوید و شناخته هم شوید مشکلی ندارد، چون از حد توان تان بیرون است. و مراد هم در آیت قرآن کریم که میگوید: (الا ما ظهر منها) مگر آنچه از آنها ظاهر و بر ملا میشود که در تون آنها نیست همین مورد است، یعنی اگر چاقی، یا قد بلند، و یا کوتاه، و غیره مواردیکه بر آن مواخذه نمیشوند،

(2) حدیث صحیح است.

(3) حدیث صحیح است.

به تعبیر قرآنی بر آن استثنا وارد شده است، نه آنچه که بر میگردد به چهره و مواردیکه شریعت به پوشاندن آن تاکید کرده است.

دلیل دهم: بانوان مسلمان در عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز صبح به مسجد میرفتند، در حالیکه بقایای تاریکی شب بود؛ ولی بازهم پرده میکردند «مُتَلَفَعَاتٍ بَمُرُوطِهِنَّ» (بخاری، 1422: حدیث، 867 و مسلم، 1334: حدیث، 645).

یعنی خود را در چادر نما های که داشتند می پیچانیدند.

دلیل یازدهم: گفتگوی طولانی پیامبر صلی الله علیه وسلم با یک اعرابی در سفر، پیامبر علیه السلام ظرفی از آب را خواست، به ابو موسی و بلال دستور داد، تا از آن استفاده کنند، «فَنَادَتْهُمَا أُمُّ سَلَمَةَ مِنْ وَرَاءِ الشَّرِّ: أَفْضَلًا لَكُمْ مِمَّا فِي إِيَّاكُمَا فَأَفْضَلًا لَهَا مِنْهُ» (مسلم، 1334: حدیث، 2497).

ام سلمه از پشت پرده صدا بلند کرده گفت: آیا چیزی برای مادران در ظرف آب باقی

سوال: ام سلمه حیثیت مادر را داشت و زن سال کرده هم بود، چرا از پشت پرده حرف میزند؟

دلیل دوازدهم: پیامبر صلی الله علیه وسلم به علی رضی الله عنه گفت: «لَا تَتَّبِعِ النَّظْرَةَ النَّظْرَةَ فَإِنَّ لَكَ الْأُولَى وَلَيْسَتْ لَكَ الثَّانِيَةُ» (ابو داود، 2009: حدیث، 2149) (4).

ترجمه: زمانی که نگاهت به زن نامحرم اصابت میکند، تکرار نکن، چون نگاه اول بخشش است، نه که نگاه دومی، پس اگر حجاب برای زن لازم نباشد چرا پیامبر نگاه را به سوئی آن مجاز نمیداند؟

دلیل سیزدهم: روزی بانوان در حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم بحث و گفتگوی دینی داشتند، و سر صداشان بلند بود، درین اثنا عمر بن خطاب رضی الله عنه اجازه ورود گرفت تا نزد پیامبر بیاید، اجازه داده شد، زمانی که وارد خانه شد، «قُمْنَ يَتَذَرُونَ الْحِجَابَ... مَا لَقَيْكَ الشَّيْطَانُ قَطُّ سَالِكًا فَجًّا إِلَّا سَلَكَ فَجًّا غَيْرَ فَجِّكَ» (بخاری، 1422: حدیث، 3294 و مسلم، 1334: حدیث، 2396).

ترجمه: همه شتاب زده حجاب کردند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: درهیچ مصیری شیطان تورا نمی بیند مگر راه خود را تغییر میدهد.

سوال: پیامبر جایگاه پدری و معلمی داشت ولی از عمر چرا پرده کردند؟

دلیل چهاردهم: حجاب نه فقط یک امر مشروع در امت آخر زمان است؛ بلکه در امت های سابقه هم بود مشروع بود؛ قسمیکه از عمر بن خطاب در تفسیر آیت (فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ) (القصص: 25).

« قَائِلَةٌ بَثُوبَهَا عَلَى وَجْهِهَا لَيْسَتْ بِسَلْفَعٍ مِنَ النِّسَاءِ خَرَّاجَةٌ وَلَا جَعَةٌ وَاصِعَةٌ يَدُهَا عَلَى وَجْهِهَا » (حاکم، 1411: حدیث، 353).

چادرشان به روی شان بود، از بانوان نبودند که با جرأت حرف میزدند، و یا تیز رفتار و گشتار میکردند، دست خود به را به چهره خود گذاشت.

بررسی روایات عدم پوشاندن چهره از لابلای سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم

آری در مقابل این روایات انباری از روایات دیگری که تأکید به عدم پوشش چهره دارد نیز وجود دارد، ذیلا روایات را همراه با پاسخ ارایه میگردد:

دلیل اول و پاسخ آن : حدیث عائشة - رضي الله عنها- اسماء زمانیکه نزد پیامبر آمد و به تنش لباس های نازک بود، پیامبر علیه السلام آن را مورد خطاب قرار داده گفت: « يا أَسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ يَصْلُحْ أَنْ يَرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَهَذَا » وأشار إلى وجهه وكَفَّيْهِ (ابو داود، 2009: حدیث، 4104).

ای اسماء زمانیکه زن به مرحله بلوغ برسد نباید جسم آن نمایان شود بجز چهره و دستان؟
أ. خودی امام ابوداود گفته: " هو مرسل، خالد بن ذريك لم يُدرِك عائشة، وسعيد ابن بشير ليس بالقوي " این روایت مرسل است، به دلیل این که خالد عائشه را ندیده، در سند روایت انقطاع است، وسعيد بن بشر قوي نیست، یعنی کمزور است (ابو داود، 2009: حدیث، 4104).

ب. در سند روایت هذا قتادة، و وليد بن مسلم هر دو مدلس اند، وصورت ادا شان به صیغه (عن) که از مدلس در باب روایت هرگز قابل قبول نیست.

شواهد که برای تقویت روایت هذا مطرح میشود، در سندش ابن لهيعة ضعیف، در آخر عمرش دچار اختلاط شده بود، راوی که در سند از آن روایت میکنند ابن رمح است، از جمله عبادله اربعه نیست، در سند شاهد دومش عیاض بن عبد الله دیگر راوی ضعیف قرار دارد، و در سند شاهد سومش قتادة، قرار دارد، ومراسیل قتادة از ضعیف ترین مرسل در باب روایت حدیث محسوب میشود.

ج. احتمال این هم وجود دارد که این داستان قبل از مشروعیت حجاب صورت گرفته باشد.

د. از عمل کرد اسماء وعائشه این معلوم میشود که در زنده گی شان کس چهره شان را ندیده، زمانیکه روایت راوی مخالف عملش بود، نزد برخی ها عملش مدار قبول است نه روایتش .

دلیل دوم و پاسخ آن : حدیث جابر - رضي الله عنه- داستان زن کومه سیاه: پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وعظ ونصیحت در روز جمعه نزد بانوان رفت تشویق کرد که آنها صدقه بیشتر بدهند... زنی که

کومه های سیاه داشت بلند شد گفت: چرا؟ در پاسخش گفت: «لَا تَكُنْ تُكْثِرَنَّ الشَّكَاةَ، وَتُكْفِرَنَّ الْعَشِيرَ» (مسلم، 1334: حدیث، 885).

ترجمه: به اساس شکایت زیاد ونفرین کردن تان از شوهران تان صدقه بیشتر دهید؟

ا. قسمیکه در برخی سندهای این حدیث آمده است که: «امراًة من سفلة النساء سفعاء الخدين» زنی از طبقه پائین، یعنی کنیز بود، وکنیزان مستثنی اند

ب. احتمال این هم وجود دارد که آن زن کهن سال باشد، وایشان به نص قرآن مستثنی اند.

ج. احتمال این هم وجود دارد که قبل از فرضیت حجاب بوده باشد، چون نماز عید در سال دوم هجری مشروعیت پیدا کرد، و آیات حجاب در سوره احزاب به اتفاق علماء خیلی ها بعد نازل شد.

د. زمانیکه صحابی میگوید: «سفعاء الخدين» این از وصف خود صحابی نیست، بلکه از طریق فامیلش وصف شده است، قسمیکه در روایت دیگر آمده است: دو زن یکجا در یک رخت نخواستند، زیرا این زن رفته اوصاف این زن را به شوهرش نقل میکند، بناء حرف جابر در مورد آن زنیکه کومه سیاه داشت ازخودش نیست بلکه از طریق فامیلش نقل قول کرده.

ه. احتمال این هم می‌رود که حجابش غیر قصدی از آن افتیده باشد، چون درحالت عصبانیت صحبت میکرد - حتی سیاق روایت این را تایید میکند - متوجه چادرش نشده باشد.

دلیل سوم و پاسخ آن: قصه زنی از قبیله خثعم، فضل بن عباس در مراسم حج پشت سر رسول الله صلی الله علیه وسلم سوار بود، ناگهان دوشیزه آمد از رسول خدا صلی الله علیه وسلم پرسان میکرد: «إِنَّ فَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ، أَذْرَكَتْ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتْبَعَ عَلَى الرَّاحِلَةِ، أَفَأَحْجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: «نَعَمْ» (مسلم، 1334: حدیث، 1334).

حج بالای پدرم فرض شده، واو در وضعیت قرار دارد که شیخ بزرگ است، بالای سواری ایستاد شده نمیتواند آیا عوض آن حج کنم جواز دارد؟ پیامبر فرمود آری.

محل استشهاد: فضل بن عباس نوجوان بود طرف این دختر نگاه میکرد، پیامبر علیه السلام کوشش میکرد تا رخ فضل را دور بدهد، ولی او از ناحیه دیگر تلاش میکرد تا این دختر را نظاره کند، این به معنای این است که چهره آن دوشیزه باز بوده؟

ا. زنیکه در حالت احرام است نباید چهره خودرا بیوشاند، قسمیکه، اگر نیازی بود رو بند خودرا به چهره اش ایوزان میکند (ابن قدامه، 1405: 3/ 325).

ب. در برخی روایات آمده است که پدرش آن را به قصد ازدواج به پیامبر صلی الله علیه وسلم آورده بود، بناء دیدن مخطوبه در شریعت نه این که جواز دارد بلکه مطلوب است.

ج. قسمیکه در مسند احمد و برخی کتب روایات آمده است: (وَكَانَتْ جَارِيَةً خَلْفَ أَبِيهَا) این کلمه بیانگر این است که تا هنوز به سن تکلیف نرسیده بود، بناء پیامبر صلی الله علیه وسلم به فضل گوشزد کرد و به دوشیزه هیچ گوشزدی نکرد.

د. احتمال این هم وجود دارد که برخی ها تازه مسلمان شده بودند، تا هنوز تمام احکام دین را فرا نگرفته بودند، واین بانو میشود از جمله آنان بوده باشد که تازه مسلمان شده به حج آمده باشد.

دلیل چهارم، و پاسخ آن: بانویکه آمد؛ تا خود را به پیامبر هبه کند: «فَصَعَّدَ النَّظَرَ فِيهَا وَصَوَّبَهُ، ثُمَّ طَاطَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسَهُ» (مسلم، 1334: حدیث، 1425).

پیامبر صلی الله علیه وسلم متوجه آن زن شده بررسی کرد، و به آن پیام منفی داد، اگر چهره آن زن پنهان میشد پیامبر چگونه آن را ارزیابی میکرد؟

أ. آن زن به قصد ازدواج آمده بود، حتی کسانی که طرف دار عدم پوشاندن چهره اند با ما در مورد دیدن مخطوبه اتفاق نظر دارند.

ب. احتمال این هم می رود که این داستان قبل از مشروعیت حجاب بوده باشد.

ج. از احکام خاصه به پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده باشد، چون پیامبر حیثیت پدر معنوی را - بجز آنانی که به آنها ازدواج کرد - دارد (ابن حجر، 1379: 210 / 9).

دلیل پنجم، و پاسخ آن: حدیث فاطمة بنت قیس رضي الله عنها؛ زمانیکه میخواست عدت بگذراند، پیامبر اولاً برایش مشوره داد، برو در خانه ام شریک زن سخاوتمند است عدت بگذار؛ سپس گفت: نزد آن زیاد مهمان میاید، وخطر این هم است «أَنْ يَسْقُطَ عَنْكَ خِمَارُكَ أَوْ يَنْكَشِفَ الثَّوْبُ عَنْ سَاقَيْكَ، فَيَرَى الْقَوْمُ مِنْكَ بَعْضَ مَا تَكْرِهِينَ» (مسلم، 1334: حدیث، 2942).

چادرت از سرت بیفتد، ویا پاچه ات بالا شود، ونگاه مردان به تو بخورد که مورد نا راحتی تو شود، بناء مشوره میدهم نزد پسر عمویت ام مکتوم فرد نا بینا، رفته عدت خود را بگذران؟

این روایت را برای ادعای خود ذکر کردند، حد الامکان تلاش کردم تا محل شاهد را پیدا کنم توانستم، برعکس سیاق و سباق روایت دلالت به حفظ حجاب میکند - والله اعلم - .

نتیجه گیری

بعد از بررسی و جمع آوری دلایل مربوط به موضوع و جمع بندی آن تحت عنوان پوشش چهره به یافته های ذیل دست یافتیم: از لابلای بررسی ها به این نتیجه رسیدیم: دلایل تأکید برحجاب صحیح و صریح بوده، و دلایل عدم پوشش چهره و یا حجاب از دو حالت خالی نبود: یا صریح غیر صحیح، و یا صحیح غیر صریح. ادعای خصوصیت حجاب به ازواج مطهرات ادعای عاری از دلیل است، آری ازواج مطهرات باوجودیکه مادران مومنان اند و مادر از فرزند حجاب نمیکند، ولی ازواج مطهرات مکلف به پرده کردن از مومنان بودند، تا این حد از خصوصیات شان بود، ولی در مجموع حجاب ادعای عاری از دلیل، عقل و منطق است. تطبیق عملی و برداشت صحابه در نخستین ادوار تشریعی از روایات همان پوشش چهره است. پوشش چهره همانند بقیه احکام شرعی به چندین مراحل عبور کرده، برخی روایاتیکه جواز میدهد همانا مراحل نخستین تشریع است، در بعدها تأکید بالای حجاب شرعی شده بود. آیات قرآنی جنبه عمومی دارد، نمیتوان آن را به دور از روایات تفسیر نمود. فهم آیات به دور از فهم سلف صالح و تلاش کردن برین که عقل را به نقل مقدم دانسته مطابق معیارهای معاصر رفتار صورت گیرد و اکنون زمان تطبیق آن نیست؟ مکر و فریب شیطانی است. دعوت به بی حجابی سنت سیئه عاشقان است که میخواهند خود و جامعه را تباه کنند.

پیشنهاها

از لابلای یافته های تحقیق به پیشنهادات ذیل توصیه میگردد:

- به سبک این مقاله تلاش شود مقاله مشابهی در پرتو آیات قرآنی نوشته شود، با نظر داشت این که در میان قرآن و سنت هیچ تعارضی وجود ندارد.
- از عموم نویسندگان که در مسائل شرعی مینویسند تقاضا به عمل میاید: تا به نصوص شرعی ارج گذاشته مطابق فهم سلف ابراز نظر نمایند، نه این که مطابق عقلهای خود.
- به خواهران، مادران و طبقه اناث توصیه میشود فریب دعوای فریبنده شرق و غرب را نخورید، شما گنج هستید، هیچ کس آماده نیست گنج را بر ملا عام به لیلام بگذارد.

منابع

القرآن الكريم

- ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (1379 هـ) تحقيق، عبد العزيز بن عبد الله بن باز، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دار المعرفة .
- ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني. تحقيق، عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض (1415 هـ) الإصابة في تمييز الصحابة، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد المقدسي. (1405 هـ) المغني شرح مختصر الخراقي، بيروت: دار إحياء التراث.
- بخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخاري الجعفي. (1422 هـ) تحقيق، مصطفى ديب، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، بيروت: دار ابن كثير، اليمامة.
- بزازي، محمد فؤاد. (بدون تاريخ) حجاب المسلمة بين انحلال المبطلين وتأويل الجاهلين، الرياض: مكتبة أضواء السلف.
- بيهقي، أحمد بن الحسين، أبو بكر. (1989م) السنن الصغير، باكستان: جامعة الدراسات الإسلامية.
- تركي، بلحمر. (بدون تاريخ) كشف الأسرار عن القول التليد فيما لحق مسألة الحجاب من تحريف وتبديل وتصحيف.
- ترمذی، محمد بن عيسى. (1975م) السنن، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- حاكم، أبو عبد الله. (1411 هـ) تحقيق، مصطفى عبد القادر عطا، المستدرک علی الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلمية .
- سامی عامری (بدون تاريخ) الحجاب شريعة الله في الإسلام واليهودية والنصرانية، السعودية: المؤسسة العلمية العالمية الدعوية - مبادرة البحث العلمي لمقارنة الأديان.
- سجستاني، أبو داود، سليمان بن الأشعث. (2009م) السنن، بيروت: دار الرسالة العالمية.
- سندی، عبد القادر بن حبيب الله السندي. (1396 هـ) إتحاف الأحباب بما ثبت في مسألة الحجاب، عربستان سعودی: الجامعة الإسلامية، المدينة المنورة، السنة التاسعة .
- طريفي، عبد العزيز بن مرزوق. (1436 هـ) الحجاب في الشرع والفطرة، رياض: دار المنهاج السعودية.
- عدوی، أبو عبد الله مصطفى. (1408 هـ) الحجاب أدلة الموجهين وشبه المخالفين، مصر: الدقهلية.
- قزوينی، أبو عبد الله محمد بن يزيد. (2009م) السنن، بيروت: دار الرسالة العالمية.
- مسلم، أبو الحسين مسلم بن الحجاج القشيري النيسابوري. (1334 هـ)، تحقيق، محمد فؤاد عبد الباقي (بدون تاريخ) المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- نسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب. (2012 م) السنن، قاهرئ: دار التأصيل .

